

پیوند مباحث آموزشی با فعالیت‌های هنری و بررسی تأثیرات آن روی مهارت‌های اجتماعی کودکان

بهناز انصاری



کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه بین‌المللی قزوین، البرز، ایران.

Behnaz.ansari1396@gmail.com

چکیده

تعلیم و تربیت یکی از اساسی‌ترین موضوعات جوامع بشری است که زیرساخت‌های تعالی همه‌جانبه‌ی کشورها را فراهم می‌کند. گنجاندن مطالب فرهنگی و اجتماعی در کنار محتوای آموزشی و تناسب روش آموزش با سن و علاقه‌مندی‌های دانش‌آموزان، علاوه بر یادگیری مطالب درسی، بهبود سلامت روان دانش‌آموزان را نیز فراهم می‌کند. هدف از نگارش مقاله بررسی پیامدهای آموزش محتوای درسی در خلال انجام کارهای هنری است. داده‌ها از اسناد، مقاله‌ها و کتاب‌های معتبر برگزیده شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داده اند که هنگام انجام کار هنری دانش‌آموز در تولید محتوای آموزشی حضور فعال دارد؛ که این امر منجر به درک عمیق محتوا می‌شود. علاوه بر آن با ادغام هنر، افراد در کنار محتوای آموزشی، غیرمستقیم به تمرین مهارت‌های اجتماعی همچون حل مسأله، تصمیم‌گیری، همکاری، همدلی و خلاقیت می‌پردازند. نتیجه‌گیری: ترکیب مطالب درسی در قالب‌های هنری، منجر به رشد شناختی (درک محتوای آموزشی) و شایستگی‌های اجتماعی دانش‌آموزان می‌شود.

واژگان کلیدی: آموزش، هنر، مهارت‌های اجتماعی

مقدمه

آموزش با زندگی همه انسان‌ها در هر سنی گره خورده است؛ اما اهمیت این امر در سنین کودکی بیشتر احساس می‌شود چراکه آغاز پرورش بسیاری از توانایی‌های انسان در دوران کودکی است. هرچقدر شیوه آموزش متناسب با سن و خلیات کودکان باشد، محتوای آموزشی بیشتر به دل‌وجانشان خواهد نشست و یقیناً بهتر به خاطر سپرده خواهد شد. یکی از چالش‌های معلمان استفاده از روش تدریس تأثیرگذار برای دانش‌آموزان است تا بدون بی‌حوصلگی و کسالت به یادگیری عمیق مطالب بپردازند؛ درعین حال یکی از آرمان‌های والدین علاوه بر یادگیری مطالب درسی؛ آشنایی و تمرین مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی صحیح فرزندان‌شان می‌باشد. این مقاله به دنبال ترکیب این دو هدف در خلال انجام فعالیت‌های هنری و غنی‌سازی آموزش است. امروزه هنر در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی به‌خصوص در حوزه تعلیم و تربیت دارای جایگاهی بی‌بدیل است. چنانچه پیام‌های آموزشی و تربیتی با جاذبه‌های هنری همراه شود؛ موفقیت و اثربخشی مضاعفی پیدا می‌کند. بنابراین باید این واسطه ارزشمند را به خوبی شناخت و آن را در نظام آموزش رسمی و غیررسمی به خدمت گرفت. (کرمی و عابدی، ۱۳۹۶). علاوه بر جنبه‌ی بازی انجام کارهای هنری، مهارت‌های اجتماعی-روانی کودکان مثل صبر، تنظیم احساسات و حل خلاقانه‌ی مسائل بهبود می‌یابد. و با کم کردن اضطراب سلامت روان را بهبود می‌بخشد (Choi, tessler& kao, 2020). در این پژوهش انجام کار هنری به‌عنوان عنصری از درگیری فراگیر در فرایند یادگیری، واسطه‌ای برای آموزش محتوا و در کنار آن عاملی برای بهبود مهارت‌های اجتماعی است. متین فر و کیان (۱۳۹۹) در پژوهشی با تلفیق هنر در درس مطالعات اجتماعی، شاهد افزایش نمره‌ی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در حیطه‌ی شناختی و عاطفی شدند. سیف نراقی و نادری (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان برنامه درسی در درس علوم تجربی پایه ششم مبنی بر عملکرد تربیت هنری بیان کردند که اعمال عناصر تربیت هنری در کلاس تغییرات مثبت و معناداری در ارتقای سطح یادگیری و خلاقیت دانش‌آموزان به وجود آورده است. تراسوا، نسیروا، تپالوا، کوا و کزلسکایا (۲۰۲۱) در پژوهشی در چین برای کودکان پیش‌دبستانی کلاس موسیقی برگزار کردند. به این صورت که کودکان در این کلاس‌ها به موسیقی گوش داده و در مورد آن صحبت می‌کردند. پس‌آزمون گرفته‌شده از این کودکان نشان داد که آن‌ها رضایت اجتماعی احساسی بیشتری نسبت به قبل از کلاس‌ها نشان دادند. لی و لی (۲۰۲۱) پژوهشی در مورد استفاده از هنرهای تجسمی با دانش‌آموزان کنیا انجام دادند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که هنر، تسهیلگر افزایش استقلال و اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان است و عاملی جهت ایجاد خودپنداره مثبت در آن‌ها است.

روش انجام پژوهش

در این پژوهش از معتبرترین و به‌روزترین منابع به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شد. و به‌منظور گردآوری داده‌ها، اسناد، مقالات، اخبار و مطالب مرتبط با مسأله‌ی پژوهش استفاده شد. تمامی آن‌ها با روش فیش‌برداری و کتابخانه‌ای و با تحلیل و بررسی و میزان مرتبط بودن، به کاررفته‌اند. پژوهش حاضر از نوع کیفی، توصیفی و تحلیلی می‌باشد که به توصیف پدیده‌ها و تحلیل و بررسی آن‌ها پرداخته شده است.

متن اصلی

نظریه یادگیری تجربی دیدگاه پویایی از یادگیری بر اساس تحلیل دوگانه عمل/تفکر و تجربه/انتزاع ارائه می‌دهد. در این دیدگاه فرایند یادگیری از تجربه در تمام فعالیت انسان‌ها و در همه زمان‌ها رخ می‌دهد. در شناخت‌شناسی، یادگیری تجربی هم‌ردیف با سازنده‌گرایی است که بیان می‌کند: یادگیرندگان معنی را از تجربیات خود می‌سازند. ویژگی‌های اصلی یادگیری سازنده‌گرایی عبارت‌اند از (۱) یادگیرندگان در جایگاه مشارکت فعال در یادگیری خود (۲) برجسته کردن یادگیری قبلی به‌عنوان

¹ Tarasova, nasyrova, tapalova, qiao& kozlovskaya

² Social emotional competence

³ Lee & lee

پایه یادگیری فعلی (۳) تعامل با دیگران برای درک معنی مفاهیم و (۴) تمرکز بر تکالیف زندگی واقعی که فعالیت‌های اصلی نامیده می‌شود. بنابراین در این دیدگاه یادگیری منعکس‌کننده تجربیات زنده است و یادگیرنده اطلاعات را در یک محیط فعال و غنی پردازش می‌کند (اثنی‌عشری، فولادچنگ و دریاپور، ۱۳۹۶). سیلوستر (۱۹۹۵) بیان می‌کند انسان‌ها زمانی بهتر یاد می‌گیرند که بدنشان هم درگیر امر یادگیری شود و رخدادها را با حواس گوناگون ثبت و ضبط کنند. اهمیت این امر در کودکان خردسال که ذاتاً جهان را با احساس‌هایشان می‌شناسند مشهودتر است (Nutbrown, 2013). آموزش باید جوانان را قادر به تعامل با خود بکند و تحقیقات نشان داده که معلمان تأثیرگذار تسهیلگران هستند و نه دیکتاتورها. فعالیت‌های هنری محیط کلاسی جذابی ایجاد می‌کند و منجر به تعامل متقابل معلم و دانش‌آموز می‌شود. وقتی حواس مختلف در یادگیری درگیر شوند؛ معلم و دانش‌آموز در سطح بالاتر شناختی قرار گرفته و این‌گونه دانش‌آموزان به یادگیرندگان فعال تبدیل خواهند شد (Koch & Thompson, 2017). استفاده از هنر با هدف‌های آموزشی به آغاز زندگی بشریت برمی‌گردد در تمدن‌های باستانی از داستان‌ها، موسیقی و رقص‌ها برای آموزش مهارت‌های بقا، توضیح وضعیت آب‌وهوا و اشتراک‌گذاری باورها و عقاید استفاده می‌کردند. پس ادغام هنر با آموزش یک فرایند یادگیری ذاتی برای انسان است. و این دو رابطه‌ی دیرین با یکدیگر دارند. (کمیته هنر و علوم انسانی رئیس‌جمهور، ۲۰۱۱) فراگیران در روش آموزش تلفیقی هنر به جای یکجا نشستن و تمرین کردن محیطی شاد و پرنشاط را تجربه می‌کنند و به انجام فعالیت‌های مختلف که در واقع نوعی بازی کردن است، می‌پردازند. با رنگ‌های انگشتی بدون ترس از هرگونه کثیف کاری حروف الفبا را تمرین می‌کنند، مهارت‌های ظریف را با استفاده از مداد رنگی‌ها پرورش می‌دهند، در کار کلاژ به دقت و تمیزی توجه می‌کنند، به شعرهای مختلف گوش داده و آن‌ها را با خود زمزمه می‌کنند. با انجام این کارها محیطی شاد و لذت‌بخش برای آن‌ها ایجاد می‌شود (علی پاکیزه، ۱۳۹۴) شادی و خوش‌حالی نقطه شروع خوبی برای ارتباط موفق شخصی و انگیزه نیرومندی برای انجام کارهاست (جمالی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۹). هنر با موضوعات دیگر تلفیق شده و راهی مؤثر برای جذب دانش‌آموزان در یادگیری کاربردی است. محتوا توسط به‌کارگیری هنر بیشتر قابل‌دسترس است. و آنان را قادر می‌سازد تا مفاهیم انتزاعی را درک و بیان کنند و مهارت‌های خود را توسعه دهند. همچنین در رابطه با عملکرد تحصیلی سهم ارزشمندی داشته و محیط یادگیری دانش‌آموزان را به جامعه پیوند می‌زند (متین-فر و کیان، ۱۳۹۹).

عناصر هنر به‌عنوان ابزاری برای آموزش در طول تاریخ مورد استفاده قرار گرفته است معلمان از هنرها در کلاس‌های درس به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه استفاده می‌کنند. ادغام این روش می‌تواند شیوه‌های آموزشی را بهبود بخشد و شرایطی را فراهم کند که هم معلم سود ببرد و هم دانش‌آموز (کمیته هنر و علوم انسانی رئیس‌جمهور، ۲۰۱۱). اطلاعات گوناگون و مفاهیم ضروری و متناسب با کودکان درخصوص روابط انسانی، مقررات اجتماعی، آداب‌ورسوم فرهنگی، امور اخلاقی، ارزشی، اعتقادی، ضروریات اولیه بهداشت و تندرستی و دیگر زمینه‌های عمومی را می‌توان از طریق هنر ارائه نمود. آموزش مفاهیم مختلف از طریق هنر نه تنها در نیل به اهداف عمومی و آموزش‌های غیررسمی بلکه در آموزش‌های مدرسه و برنامه‌های درسی نیز از جایگاه منحصربه‌فردی برخوردار است. (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰) سالیوان مطرح کرده که فعالیت هنری به‌مثابه پژوهش است. این رویکرد آمیزه‌ای از تحقیق (پرس‌وجو) و مهارت‌های تفکر مربوط به علوم طبیعی و اجتماعی با روش‌های ابداعی و تفسیری مرتبط با هنر است. سالیوان معتقد است هنرمندان مانند نظریه‌پردازان عمیقاً فکر می‌کنند و از طرفی هم موضوعات را بررسی می‌کنند معانی‌شان را کشف و روش‌ها و مواد مختلف برای تعیین بهترین شیوه انتقال ادراکشان را در معرض آزمایش می‌گذارند در این رویکرد نه تنها خلق هنر به سمت تحقیق در همه‌چیز سوق یافته است بلکه تمرکز از یادگیری اصول در سطح هنر برای

¹ sylwester

ساخت زیبایی شناسانه چیزها و تصاویر، به سمت مجموعه جدیدی از اصول حرکت کرده است که شامل مهارت‌های مفهومی، راهبردهای خلاقانه و روش‌های پژوهشی است که هنرمندان از آن استفاده می‌کنند (کاتب و طلائی، ۱۳۹۶).

برنامه‌های هنری در عالی‌ترین سطح به ایجاد شناخت، پرورش فضایل اخلاقی و تربیت معنوی مخاطب منجر می‌شوند. و رشد احساسات، عواطف و حفظ بهداشت روانی مخاطب را مدنظر دارد. از سویی دیگر تربیت هنری آدمی را به درون خویش هدایت می‌کند تا خود را بشناسد و زمینه‌های انگیزشی درونی و خلاقیت در او فراهم شود. (کرمی و عابدی، ۱۳۹۶) درست کردن و ایجاد چیزی منجر به راه افتادن یک مکالمه بی‌صدا بین آفریننده و مواد مورد استفاده می‌شود. و این یک آگاهی جسمانی به همراه دارد که حضور فعال در محیط و پاسخ‌دهی مناسب را برای هنرمند به ارمغان می‌آورد. تجربیات زیباشناختی و روش‌های یادگیری مبتنی بر هنر، فضایی برای پیشرفت و تقویت احساسات درونی و خود افشایی فرد ایجاد می‌کند. (Meltzer & Schwencke, 2020) همانا آفرینش هنری به صورت ذاتی توانایی درمان و شفابخشی دارد و بر نقش محوری که مکانیسم دفاعی پالایش در این تجربه بازی می‌کند تأکید می‌نماید (هاشم‌آبادی و فیروز زاده پاشا، ۱۳۹۵). گروهی از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت که اهتمام ویژه‌ای به تربیت زیباشناسی دارند تأکید می‌کنند که هنرها زمینه بروز احساسات و تجلی خلاقانه آن‌ها را فراهم می‌سازند. بنابراین هنر در درجه اول باید بخش احساسی مخاطب را تسخیر نماید و سپس قوای عاقله او را تحریک کند. همه هنرها از این نظر واقعاً شبیه یکدیگرند و به این شکل مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهند. (رضایی، ۱۳۹۲) در این صورت می‌توان آموزش و یادگیری را با جلب توجه و پیوند عقل و احساس به کام مخاطب شیرین کرد.

هنرها را می‌توان به موسیقی، هنرهای نمایشی (تئاتر، رقص)، هنرهای تجسمی، هنرهای ادبی (رمان‌نویسی، شعر و سایر اشکال نوشتاری) و طیف گسترده‌ای از هنرهای کاربردی تعمیم داد. هنر می‌تواند نقشه یکپارچه‌کننده‌ای در تسهیل یادگیری مادام‌العمر، تعمیق تجربه‌ها، کشف و ایجاد مهارت‌های جدید داشته باشد، زیرا در جریان انجام آن گذشته و حال فرد به هم گره می‌خورند. مشارکت هنری به دو صورت فعال و منفعلانه وجود دارد. حضور در کنسرت‌ها، تئاتر و خواندن متن منفعلانه و آفرینش هنری مشارکت فعالانه است (Noice et al., 2014). در این امر نیازی نیست که افراد هنرمند باشند یا در یکی از حوزه‌های هنری مهارت خاصی داشته باشند. مهم‌ترین ویژگی، آغوش باز به خلاقیت در زندگی روزمره است. این امر به فرد اجازه می‌دهد که با هنر ارتباط برقرار کرده، آن را لمس کند و الگوی زندگی روزمره‌اش را تغییر دهد (rajalin, 2020) فعالیت‌های هنری، نه تنها توانایی بیان اندیشه با زبان هنر را برای کودکان فراهم می‌کند بلکه قدرت تجزیه و تحلیل رویدادها و همچنین دقت و تمرکز را در آن‌ها تقویت می‌کند. هنر به لحاظ تناسب با زبان کودک و ارتباط عمیق با ویژگی‌ها و تمایلات درونی آن‌ها می‌تواند تأثیر عمیقی بر دانش‌آموزان داشته و آن‌ها را از سطح دانش سطحی به سطوح عمیق‌تر درک رهنمون کند (علی پاکیزه، ۱۳۹۴).

ادغام هنر امکان توسعه شایستگی‌های اجتماعی از جمله مهارت‌های همکاری، کار گروهی، تحمل اجتماعی و اعتماد به نفس را فراهم می‌آورد. با توجه به ماهیت هنر روش‌ها و ابزارهای مختلفی برای طیف وسیعی از سبک‌های یادگیری وجود دارد که می‌توان متناسب با سبک‌ها و حتی ناتوانی‌های یادگیری از آن‌ها استفاده شود. این ادغام هنر با آموزش فرصت بیشتری برای مشارکت همه دانش‌آموزان فراهم می‌کند. ویگوتسکی (۱۹۷۸) مطرح می‌کند که رشد یادگیری در سطح اجتماعی و همراه با تعاملات اجتماعی اتفاق می‌افتد. باید فرصت‌های بیشتری برای مرئیان وجود داشته باشد تا بتوانند اطلاعات و مهارت‌ها و تجربیات خود در ادغام هنری را با یکدیگر به اشتراک بگذارند (Koch & chevon, 2017). هاتسل و راسل (۲۰۰۷) بیان کردند که هنر بر یادگیری اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد، به مشارکت اجتماعی آن‌ها کمک می‌کند در حوزه عاطفی دانش‌آموزان را تشویق کرده تا افکار و احساسات خود را در فعالیت‌های خلاقانه بصری نشان دهند و از این طریق اعتماد به نفس، خودآگاهی و خودکارآمدی شان افزایش پیدا کند (lee & lee, 2021).

مهارت‌های اجتماعی یکی از مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی هستند داشتن مهارت‌های اجتماعی باعث پیشرفت فرد می‌شود مهارت‌های اجتماعی رفتارهای آموخته‌شده این تعریف می‌شوند که از نظر اجتماعی پسندیده‌اند و امکان ارتباط با دیگران را فراهم می‌کنند. این مهارت‌ها کیفیت زندگی افراد را افزایش می‌دهند و آن‌ها در دستیابی به اهداف کمک می‌کند (deniz & ersoy, 2016) این رفتارها شامل رفتارهای بین فردی: مثل مصالحه، کمک خواستن از دیگران، معرفی خود، احترام به دیگران، شناخت دیگران و دوستی با دیگران هستند. رفتارهای متضمن رضایت دیگران شامل: اجازه خواستن، شریک شدن، تشکر کردن، آگاهی هیجانی و تعامل هیجانی می‌باشند. رفتارهای کنترل فردی شامل: مهارت حل مسئله، مواجهه با مشکلات، تصمیم‌گیری و مسئولیت‌پذیری هستند. رفتارهای افزایش‌دهنده مهارت‌های ارتباطی شامل: گوش کردن، همدردی، احترام به علایق و نیازهای دیگران می‌باشند (رجبی، ۱۳۹۶) این مهارت‌ها در فعالیتهای هنری به صورت مستقیم یا غیرمستقیم یاد گرفته می‌شوند به عنوان مثال جمالی فیروزآبادی و همکاران (۱۳۸۹) از روش‌های مختلف هنری برای یادگیری دانش آموزان استفاده و آن‌ها را تشویق به حل مشکلات خود با شیوه‌های گوناگون کردند. این گونه مهارت حل مسئله نیز بهبود می‌یابد. علاوه بر این فعالیتهای هنری فرصت مناسبی را برای رشد و ارتقاء مهارت انعطاف‌پذیری که به معنای توانایی مواجه شدن با عقاید و دیدگاه‌های جدید و حتی غیرمعارف و آمادگی برای شنیدن و بررسی اندیشه‌های نو می‌باشد را فراهم می‌کند (پاکیزه، ۱۳۹۶). بارنز (۱۹۹۸) بیان کرد انجام امور خلاقانه و کارهایی که افراد با اشیا ملموس سروکار دارند؛ دیدگاه جدیدی برای مشکلات موجود به روی آن‌ها باز می‌کند. درست کردن شیئی جدید نیازمند شجاعت است. زیرا در جریان آن فرد روی کار کنترل ندارد، درباره‌ی روند تکامل، راه‌حل‌ها یا نتایج نهایی نیز اطلاعاتی در دستش نیست. لذا صبر، یأس و شگفت‌زدگی با آن همراه خواهند بود. (Meltzer & Schwencke, 2020). در زیر به چند نمونه تلفیق عناصر هنر با مطالب آموزشی و تأثیر آن روی مهارت‌های اجتماعی اشاره شده است.

شعر و موسیقی

شلنبرگ (۲۰۰۴) در پژوهشی نشان داد که یک دوره درس موسیقی نمرات بهره هوشی کودکان را افزایش داد این را می‌توان به تأثیر موسیقی روی عملکردهای اجرایی مانند برنامه‌ریزی انعطاف‌پذیری و کنترل بازداری نسبت داد البته مطالعات تجربی در این زمینه کم هستند و این فرضیه در برخی مطالعات تأیید شده است مثل (dege et all, 2011). شلنبرگ در پژوهشی دیگر (۲۰۰۵) عنوان کرد که آموزش هنر ممکن است مکانیزمی برای پرورش توانایی‌های شناختی اولیه دهد که منجر به موفقیت در مدرسه شود به عنوان مثال آموزش موسیقی در دوران کودکی توانایی‌های فکری را به‌طور کلی افزایش می‌دهد (brown et all, 2017).

گاه شعری زیبا و پرمعنی می‌تواند عواطف آدمی را تحت تأثیر قرار داده و وجدان خفته وی را بیدار و به حیات در نگاهش جلوه‌ای دیگر بخشد. احساسات او را بارور و گرایش ویژه‌ای در فرد ایجاد و تقویت نماید تا به رفتارش شکل دهد و به‌سوی هدف‌های مشخص حرکت کند. گاه توأم شدن شعری مطلوب با آهنگ و صدایی دل‌نشین و موسیقی مناسب، سرودی جذاب و مفید را عرضه و اثرات عاطفی و حماسی عمیقی بر توده جامعه بر جای می‌گذارد (میرزا بیگی، ۱۳۹۰).

نمایش

در خصوص یادگیری، تعامل با محیط و روابط اجتماعی، هنر نمایش از سال‌های اولیه زندگی نقشی آشکار دارد. از همان ابتدا کودک به تقلید از دیگران و نمایش رفتارهای مختلف می‌پردازد. او از طریق بازی، نمایش و بازسازی صحنه‌های موردنظر، در افزایش مهارت‌ها و تکوین شخصیت خویش نقشی فعال دارد (کرمی و عابدی، ۱۳۹۶) یکی از مصادیق هنر تئاتر است. وریو (۱۹۹۴) بیان می‌کند که نمایش فرصت یادگیری فعال معنادار را فراهم می‌کند. چون که بخش فیزیکی، روانی و هیجانی فرد را

¹ schellenberg

درگیر می‌کند. نمایش، درس را برای دانش آموزان فعال‌تر، جذاب‌تر و جالب‌تر کرده و به دانش آموزان کمک می‌کند تا الگوهای منطقی روابط علت و معلولی را درک کرده و به تفسیر مفاهیم بپردازند. نمایش، خلاقیت فرد را بهبود می‌بخشد و با فراهم کردن فرصت دستیابی به مهارت‌های مربوط به ویژگی‌های رشدی به رشد چندبعدی آن‌ها کمک می‌کند. در طول بازی یک نقش مهارت درک دیدگاه دیگران در افراد پرورش می‌یابد که این یکی از پیش‌زمینه‌های مهارت‌های همدردی و همدلی است و از این طریق غیرمستقیم مهارت همدلی وی افزایش می‌یابد (رجبی، ۱۳۹۶).

نقاشی

کالودر و مور^۱ (۱۹۹۳)، هیچمن^۲ (۲۰۰۷)، اینارسدوتیر^۳ (۲۰۰۹)، ایمانوئل، کالینز و کاری^۴ (۲۰۱۰) نیز بیان کرده‌اند که نقاشی در بالا بردن یادگیری و مهارت‌های حل‌مسئله بسیار مؤثر است. درواقع استفاده از نقاشی منجر به افزایش فهم خواننده از یک مطلب و تسهیل آن می‌شود. به این صورت که قبل از کشیدن نقاشی، نیاز است که فرد کل فعالیت را متوجه شود و قسمت‌های مهم را مشخص کند تا در نقاشی‌اش استفاده کند. علاوه براین، مطلب دریافتی هنگام نقاشی کشیدن در ذهن فرد مرور شده و تقویت می‌شود. از طرفی همین‌که افراد سعی در کشیدن هرچه زیباتر نقاشی دارند، خلاقیت‌شان نیز تقویت می‌شود. (chan, 2013)

قصه

باور قصه درمانگران این است که تغییر در زبان و ادبیات قصه‌های زندگی افراد منجر به تغییر در معانی زندگی آن‌ها می‌شود و این تغییر فرصت‌های جدیدی برای رفتار و روابط با دیگران ایجاد می‌کند. قصه درمانگران به فرد کمک می‌کنند که بفهمد چه کسی است، چه کسی بوده و چه کسی می‌تواند باشد (صابری، ۱۳۹۵). درواقع، جنبه‌های جذاب و آموزنده داستان کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و امکان همانندسازی و جایگزینی بیشتری را برایش فراهم می‌سازند. در این صورت، آن‌ها جهت پیشبرد کارهای خویش از تلاش‌های قهرمانان داستان تأسی می‌پذیرند (فاضلی، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

هنر واسطه‌ای ارزشمندی برای آموزش محتوا است. انجام کار هنری علاوه بر درگیر کردن دانش آموزان در فرایند یادگیری، که به یادگیری بهتر و دوری از فضای خسته‌کننده‌ی آموزش سنتی می‌انجامد؛ مهارت‌های اجتماعی را نیز به آن‌ها می‌آموزد. یادگیری مهارت‌های اجتماعی منجر به انتخاب‌ها و ارتباط‌های درستی در زندگی افراد می‌شود که در این صورت آرامش روان را برایشان به ارمغان خواهد آورد. این افراد بنیان‌های جامعه‌ای سالم و توسعه‌یافته را می‌سازند. این یافته‌ها همسو با تحقیقات اسپونک و ملترز، ۲۰۲۰، نویس، نویس و کرامر ۲۰۱۴، متین فر و کیان، ۱۳۹۹، کرمی و عابدی، ۱۳۹۶ می‌باشند. در ادامه، پیشنهاد می‌شود آموزش و پرورش با همکاری روانشناسان دوره‌هایی را درمورد چگونگی ارائه‌ی مطالب آموزشی با کارهای هنری، برای مدرسان در نظر بگیرد، تا از هنر صحیح‌تر و هدفمندتر در مدارس به خصوص در دوره‌ی ابتدایی استفاده شود. در این صورت، دانش آموزان علاوه بر درک ساده‌تر مفاهیم، در آموزش، فعالانه شرکت می‌کنند و شایستگی‌های اجتماعی خود را نیز بهبود می‌بخشند.

¹ Caldware & Moore

² Hickman

³ Einarsdottir

⁴ Emmanuel, Collins & carey

منابع

- پاکیزه، علی، بررسی تأثیر شیوه‌ی آموزشی تلفیقی هنر بر خلاقیت و یادگیری دانش آموزان پسر اول دبستان، *فصلنامه‌ی مرکز مطالعات و توسعه‌ی آموزش علوم پزشکی*، دوره ششم، شماره یک، ۱۳۹۴، ۵۲-۶۰.
- جمالی فیروزآبادی، محمود و سپهریان حیدرزاده، منوچهر و جلالی کشاورز، مریم، تأثیر آموزش روش‌های نقاشی بر افزایش خلاقیت کودکان، *تحقیقات روانشناختی*، دوره دوم، شماره هفتم، ۱۳۸۹، ۱۰۴-۱۱۱.
- رجبی، سوران و علیمرادی، خدیجه، اثربخشی تئاتر درسی در افزایش مهارت‌های اجتماعی و یادگیری دروس پایه در دانش آموزان ابتدایی، *رویکردهای نوین آموزشی* شماره دو، پایب بیست و شش، ۱۳۹۶، ۹۸-۱۱۳.
- فاضلی، عصمت، اثربخشی قصه درمانی بر پرخاشگری و اضطراب دانش آموزان دختر دبستانی، *فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، شماره چهارم، پایب چهل و سه، ۱۳۹۷، ۲۲۷-۲۴۶.
- فیروززاده پاشا، نرگس و هاشم آبادی، سمیه، اثربخشی روش نقاشی درمانی روی کمروبی و تکانشگری دانش آموزان ابتدایی، *چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی*، شهریور ۱۳۹۵.
- کداسن، هایدی و شفر، چارلز. (۲۰۰۱). *برگزیده‌ای از روش‌های بازی درمانی* (ترجمه سوسن صابری، ۱۳۹۵)، تهران، انتشارات آگاه.
- کریمی، غلامحسین و عابدی، محسن (۱۳۹۶). *نگاهی به ابعاد و کارکردهای تربیتی هنر، رویش روانشناسی*، شماره دو، پایب نوزده، ۱۳۹۶، ۱۶۹-۱۸۸.
- متین‌فر، نرگس و کیان، مرجان، اثربخشی اجرای برنامه درسی تلفیقی هنر بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان در درس مطالعات اجتماعی. *پژوهش‌های برنامه‌ی درسی انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران*، دوره دهم، شماره پنجم، ۱۳۹۹، ۶۶-۸۳.
- میرزاییگی، علی (۱۳۹۰)، *نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روانی کودکان*، تهران، انتشارات مدرسه، تهران.
- نسرین کاتب، فاطمه و طلایی، مرضیه، تبیین مدل آموزش هنر از طریق پژوهش در دست‌ساخته‌ها مبتنی بر ادغام رویکردهای آموزشی؛ *مطالعه‌ی موردی دست‌دوخته‌ها*، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، دوره بیست و یکم، شماره دو، ۱۳۹۶، ۲۶-۵۲.
- Brown, Eleanor. D., Mallory L. Garnett, Blanca M. Velazquez-Martin, Timothy J. Mellor. The art of Head Start: Intensive arts integration associated with advantage in school readiness for economically disadvantaged children. *Early Childhood Research Quarterly* (2017), vol 44. No 4. 204-214.
- Chan, Zenobia.C. (2013). Drawing in nursing PBL. *Nurse education today*, 33(8), 818-822.
- Hyunju Lee H, . Lee M.J (2021) Visual art education and social-emotional learning of students in rural Kenya, *International Journal of Educational Research*, Volume 108. 1-12
- Koch, katherin.Chevon thampson, jana. (2017). Laughter Filled the Classroom: Outcomes of Professional Development in Arts Integration for Elementary Teachers in Inclusion Settings. *Learning Disabilities: A Multidisciplinary Journal*. vol 22. No2. 1-11
- Mahgoub, Yasser. M. (2015). The Importance of the Development of Art Education Curriculum in the Sudanese Educational Institutions. Department of Art Education, Faculty of Education, University of Khartoum, Sudan 5. 8(1). 99-104
- Meltzer, Cecili., & Schwencke, Eva. (2020). Arts-based learning in vocational education: Using arts-based approaches to enrich vocational pedagogy and didactics and to enhance professional competence and identity. *Journal of Adult and Continuing Education*, 26(1), 6-24.
- Nutbrown, Cathy . (2013). Conceptualizing arts-based learning in the early years. *Research Papers in Education*, vol28. No 2. 239-263.
- Schellenberg, E. Glenn. (2004). Music lessons enhance IQ. *Psychological Science*, vol 15. No 8. 511-514
- Schellenberg, E. Glenn. (2005). Music and cognitive abilities. *Current Directions in Psychological Science*, vol14. No6. 317-320
- Schellenberg, E. Glenn. (2011). Examining the association between music lessons and intelligence. *British Journal of Psychology*, vol 102. No 3. 283-302.
- Sylwester, R. (1995). *A celebration of neurons: An educator's guide to the human brain*. Alexandria, VA: Association for Supervision and Curriculum Development. eric.ed.gov

اولین کنفرانس ملی مدیریت، روان شناسی و علوم رفتاری

تهران - ۲۹ مهر ۱۴۰۰



First National Conference on Management, Psychology and Behavioral Sciences

21 October 2021 | Tehran

The President's Committee on the Arts and the Humanities. (2011). Reinvesting in arts education: Winning America's future through creative schools. Washington, DC: Author. eric.ed.gov.
Vygotsky, L. S. (1978). Mind in society: The development of higher Psychological processes. Cambridge, MA: Harvard University Press

۸